



Commission of Murder by LGBT or Intersex Individuals

Zahta. Tajarri Moazzeni^{1*}- Motahhare. Sorkhabi Abdolmaleki²

1: Assistant Professor, Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran
(Corresponding Author): Moazen509@gmail.com

2: Graduate with a Master's degree in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

Abstract: LGBT is an acronym referring to individuals who are non-heterosexual and non-cisgender. Sexual orientation and sexual behavior beyond heterosexuality include homosexuality, bisexuality, pansexuality, and asexuality. However, the LGBT community is not limited to non-heterosexual orientations; it also encompasses transgender, queer, and intersex individuals. Sexual and gender minorities—including intersex or non-binary (*khuntha*) individuals—have always been part of our societies. One of the most significant legal challenges concerns the criminal liability and punishment of LGBT or intersex individuals. A key issue arises when such individuals commit serious crimes such as murder: how should they be punished? The central question addressed in this study is how Islamic jurisprudence (*fiqh*) and legal systems approach the application of *qisas* (retributive justice) to intersex individuals, and how the dominant gender is determined for the purpose of sentencing. This research adopts a descriptive-analytical method to examine murder committed by LGBT or intersex individuals. Since gender plays a decisive role in the application of *qisas*, the rules of Islamic criminal law are shaped accordingly. There is limited debate among jurists and legal scholars regarding *qisas* for "problematic intersex" individuals (*khuntha mushkil*), but the main issue in jurisprudence pertains to "non-problematic intersex" individuals (*khuntha ghayr mushkil*). Therefore, it is necessary to base legal judgment on the dominant gender. Accordingly, if an intersex individual clearly exhibits dominant male or female characteristics, the ruling on *qisas* should be based on that dominant gender. In practice, it is essential to determine the prevailing gender identity of the intersex individual in question and to issue the *qisas* verdict accordingly. Given the current legal vacuum surrounding such issues, there is an urgent need for the legislature to develop clear and effective legal provisions addressing them.

Keywords: Murder, LGBT individuals, Intersex persons, *Khuntha*, *Qisas* for intersex individuals.

- Z. Tajarri Moazzeni; M. Sorkhabi Abdolmaleki (2025), "Commission of Murder by LGBT or Intersex Individuals", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 17(38), 139-172.

Doi: [10.22075/feqh.2025.34808.3983](https://doi.org/10.22075/feqh.2025.34808.3983)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۷ - شماره ۳۸ - بهار ۱۴۰۴

صفحات ۱۷۲-۱۳۹ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۵/۰۸ - بازنگری ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ - پذیرش ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

ارتکاب قتل توسط دگرباش یا دو جنسه

زهرا تجری مؤذنی^۱ / مطهره سرخابی عبدالملکی^۲

Moazen509@gmail.com

۱: استادیار گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول).

۲: دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.

چکیده: ال جی بی تی، یک سرواژه است که شامل افراد غیر دگرجنس گرا و غیر همسوجنسی می شود. گرایش جنسی و رفتار جنسی به غیر از دگرجنس گرایی شامل همجنس گرایی، دوجنس گرایی، همه جنس گرایی و بی جنس گرایی می شود. با این حال، جامعه ال جی بی تی به گرایش های جنسی غیر دگرجنس گرایی محدود نیست و شامل افراد ترنسجندر، کوئیر و بینا جنس هم می شود. دگرباشان جنسی یا افراد دو جنسه (خنثی) همواره بخشی از جوامع ما بوده اند. یکی از مهم ترین چالش های حقوقی وضعیت اشخاص دگرباش یا دوجنسی ها (افراد خنثی) در خصوص مجازات ها بوده و مسائل بسیاری در این مورد مطرح می باشد؛ مانند این که چنان چه افراد دگرباش یا خنثی مرتکب جنایت شوند مجازات آنها چگونه می باشد؟ سؤال اصلی در این خصوص آن است که قصاص دوجنسی ها در فقه و حقوق چگونه است و شیوه تعیین جنسیت غالب برای معین نمودن کیفر قصاص به چه صورت می باشد؟ این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ارتکاب قتل توسط افراد دگرباش یا دو جنسه پرداخته است. از آنجا که جنسیت در تعیین مجازات قصاص مؤثر می باشد احکام فقهی مانند قصاص نیز مطابق با این تقسیم بندی مرتب می گردد. در مورد قصاص اشخاص خنثی مشکل، مناقشه زیادی میان فقها و حقوقدانان نیست بلکه موضوع اصلی در فقه در مورد اشخاص دو جنسه (خنثی غیر مشکل) می باشد. بر همین مبنا ضرورت دارد جنسیت غالب، مبنا واقع شود؛ بدین ترتیب حکم قصاص فرد خنثی غیر مشکل و واضح که غالبیت به جنس مؤنث و مذکر را داشته باشد بر اساس همان جنسیت غالب صورت می گیرد؛ به این معنی که ضروری است مشخص گردد جنسیت غالب در فرد دوجنسه چیست و برطبق آن در صدور حکم قصاص عمل نمود. با توجه به خلأ مباحث قانونی در این مورد ضرورت دارد قانونگذار به تدوین قوانین کارآمد و صریح مبادرت نماید.

کلیدواژه: ارتکاب قتل، اشخاص دگرباش، دوجنسه ها، خنثی، قصاص دو جنسه.

- تجری مؤذنی، زهرا؛ سرخابی عبدالملکی، مطهره (۱۴۰۴) «ارتکاب قتل توسط دگرباش یا دو جنسه». دانشگاه

سمنان: مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. ۱۷ (۳۸). ۱۷۲-۱۳۹.

Doi: 10.22075/feqh.2025.34808.3983

مقدمه

در علم نوین پزشکی کاربرد تعبیر دوجنسی برای کسانی که نشانه‌های مرد بودن و زن بودن را توأمان دارند، رایج است. دوجنسی‌ها در عام‌ترین تقسیم، دوجنسی‌های حقیقی (واقعی) و دوجنسی‌های کاذب اند. دوجنسی‌های حقیقی، هم بیضه دارند و هم تخمدان و وجود همزمان غدد جنسی مردانه و زنانه در بدن و ترشح هورمون‌ها از آنها سبب بروز همزمان نشانه‌های مردانگی و زنانگی در شخص می‌شود، زیرا صفات ثانویه جنسی مانند روئیدن مو در صورت مردان یا رشد برخی از اندام‌ها در زنان، متأثر از هورمون‌های جنسی ترشح شده از این غدد است. آلت تناسلی نیز در دوجنسی‌های حقیقی گاه مردانه و گاه زنانه است. در مقابل، دوجنسی‌های کاذب، مردانی با ظاهر کاملاً زنانه یا زنانی با ظاهر کاملاً مردانه هستند. برای مثال، ممکن است شخصی که از نظر نقشه ژنتیک، مرد و دارای غدد جنسی مردانه است به سبب اختلالات هورمونی و عملکرد نادرست غدد جنسی، دارای نشانه‌های جسمی و رفتاری زنان باشد (فتاحی معصوم، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۹). پزشکان برای تعیین جنسیت فردی که مرد یا زن بودنش معلوم نیست دو معیار در نظر می‌گیرند: شرایط جسمی (شامل نقشه ژنتیک فرد، وضع غدد جنسی و اندام تناسلی خارجی) و حالات روحی - روانی، یعنی رفتار و تمایلات درونی و جنسیتی که او خود پذیرفته است (همان: ۷۶-۸۷).

ویژگی‌های یادشده برای دو جنسی‌ها با تعریف مشهور خنثی در فقه تطبیق نمی‌کند مگر این که مطابق رأی برخی فقها، معیار خنثی بودن فرد، ابهام در هویت جنسیتی او باشد، نه فقط وجود توأمان دو آلت. شاید به همین علت است که در مطالعات فقهی - پزشکی یا در برخی استفتائات اخیر، دو جنسی‌های حقیقی معادل خنثای مشکل و دوجنسی‌های کاذب خنثای واضح به شمار رفته‌اند (فتاحی معصوم، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۶؛ خوئی، ۱۴۱۶ق-۱۴۲۳: ۳۵۶؛ منتظری نجف آبادی، ۱۳۸۱: ۱۱۳-۱۱۴).

در نهاد کیفری اسلام، برای هر جرمی کیفری نهاده شده که بر اصل برقراری تناسب میان کیفر و جرم مبتنی شده است. قتل به عنوان یکی از جرائم مستوجب قصاص، گاه توسط یک نفر و گاهی نیز به صورت گروهی انجام می شود. صرفنظر از حکم قصاص یا اخذ به دیه و یا عفو، در ازای جرم قتل که توسط یک نفر انجام می شود، کیفر جرم قتل هم که مرتکبین آن دو یا چند نفر باشند - مطابق متون فقهی شیعه - قصاص است؛ اما اگر ولی دم خواهان قصاص همه قاتلین باشد، دیه مازاد بر جنایت هر شخص را باید بپردازد. فقیهان شیعه برای این حکم از هر چهار منبع اجتهاد - کتاب، سنت، عقل و اجماع - استناد جسته اند (فراحتی و متین، ۱۳۹۴: ۲۱۴-۲۱۵).

اطلاعات رسمی جسته و گریخته از خشونت هایی که ریشه در دگرباش ستیزی دارند وجود دارد و این آمار و ارقام رسمی به ندرت منتشر شده است. تنها کشورهای معدودی، سازوکارهای مناسبی برای نظارت، ضبط و گزارش جنایاتی دارند که برخاسته از تنفر از دگرباشان جنسی است. حتی در جایی که چنین سیستمی وجود داشته باشد، ممکن است قربانیان به پلیس اعتماد کافی نداشته باشند و برای بیان مشکلات خود پا پیش نگذارند. حتی خود پلیس هم ممکن است آموزش کافی برای شناخت و ثبت انگیزه خشونت ها را نداشته باشد. با این حال، با کنار هم قرار دادن آمارهای محدود منتشر شده از سوی دولت ها و تکمیل آن آمارها با گزارش هایی که از منابع دیگر به دست آمده اند، تصویر کاملی از خشونت های بی رحمانه ای که اغلب بدون مجازات باقی می ماند، به دست می آید.

در بعضی از جرائم مانند قتل، جنسیت در تعیین مجازات قصاص مؤثر می باشد، چراکه بین زن و مرد در مجازات قصاص تفاوت وجود دارد. به بیان دیگر، بر مبنای منابع فقهی، در لزوم پرداخت فاضل دیه در قصاص مردی که زنی را به عمد به قتل رسانده است بین فقهای بزرگ امامیه اجماع وجود دارد (ابن ادریس، ۱۴۱۱: ۳۳۲-۳۳۱؛

طباطبائی، ۱۴۱۲: ۵۲۸؛ خمینی، ۱۳۹۹: ۳۳۱) و در این رابطه هیچ قول مخالفی وجود ندارد. سؤال اینجاست که قصاص دو جنسی ها به جهت ارتکاب قتل چگونه می باشد؟ در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت با توجه به جدید بودن موضوع و با جستجو در منابع مختلف مانند ایران داک، سیویلیکا، نورمگز و ... موضوع کاملاً حنبه نوآوری دارد؛ به این دلیل که تاکنون پژوهشی با عنوان ارتکاب قتل توسط دگرباش یا دو جنسه (خنثی) انجام نشده است. فقط در کتب فقهی تا حدودی احکام خنثی مانند قصاص وی مورد بحث قرار گرفته است که از باب نمونه به دو مورد اشاره می نمایم.

۱- دیوسالارمهاجر، سوفیا و دیگران، (۱۴۰۰)، در مقاله خود با عنوان، قصاص دوجنسی ها در اسلام، مجازات قصاص را برای افراد با توجه به جنسیت آنها (زن یا مرد) مورد بررسی قرار داده اند.

۲- داوودی گرمارودی، و دیگران، (۱۴۰۰)، در مقاله خود با عنوان بازشناسی آثار تغییر جنسیت در جرایم و مجازات ها، رویکرد قضایی کشور ایران را که اغلب جنسیت مرتکب در زمان ارتکاب جرم را ملاک حکم قرار می دهد بررسی می نماید.

۱- مفاهیم

الف: دگرباش

ال جی بی تی^۱ در زبان انگلیسی مخفف کلمات «لزبین، گی، دوجنس گرا و تراجنسی» است (که در زبان فارسی از معادل دگرباش جنسی برای آن استفاده می شود). اگرچه این کلمات در سطح جهانی با همین معنا استفاده می شوند، ولی در فرهنگ های مختلف شرایط متفاوت بوده و ممکن است برای توصیف افرادی که روابط همجنس خواهانه دارند و یا هویت جنسی خارج از توصیف زن و مرد دارند، واژه دیگری استفاده شود.^۲

1. LGBT

2. hijra, meti, lala, skesana, motsoalle, mithli, kuchu, kawein, travesty, muxé, fa'afafine, fakaleiti, hamjensgara, Two-Spirit)

ال جی بی تی رایج ترین شکل استفاده از این مفهوم است. اگرچه گاهی در زبان انگلیسی از جی ال بی تی^۱ هم استفاده می شود که توسط برخی فمینیست ها تلاش برای مردسالارانه سازی مفهوم ال جی بی تی برچسب خورده است (Alexander, Jonathan; Yescavage, Karen, 2004: 978). ال جی بی تی کیو^۲ شکل کامل تر این مفهوم است که شامل افراد کویر و افراد پرسشگر می شود. افراد پرسشگر کسانی هستند که درباره گرایش جنسی خود تحقیق می کنند و نیاز به شناخت بیشتر خود دارند، بنابراین گاهی از ال جی بی تی کیو کیو^۳ نیز استفاده می شود. ال جی بی تی کیو آی ای^۴ گسترده ترین شکل این مفهوم است که شامل افراد بینا جنس و بی جنس گرا هم می شود. گاهی برای جلوگیری از طولانی شدن این اصطلاح از ال جی بی تی استفاده می شود که شامل دیگر افراد جامعه ال جی بی تی است. شکل های دیگری مانند ال جی بی تی تی-کیو کیو آی ای ای پی^۵ نیز وجود دارد که به دلیل گسترش بیش از اندازه و گیج کننده بودن مورد اختلاف و انتقاد قرار دارد و منتقدان به آن «سوپ الفبا» می گویند.

همه دگرباشان جنسی در زمینه حقوق بشر با چالش های مشترک و در عین حال معجزاً روبرو هستند. افراد دوجنسی (کسانی که با ویژگی های جنسی غیر معمول به دنیا می آیند) بسیاری از انواع نقض حقوق بشر را که دگرباشان جنسی نیز با آن روبرو هستند، تحمل می کنند.

ب: دوجنسی

دوجنسه (گروه واژه گزینی، ۱۳۹۶: ۳-۴۵) به افرادی اشاره می کند که به بیش از یک جنسیت گرایش جنسی و عاطفی دارند. این اصطلاح چتری می تواند شامل

1. GLBT
2. LGBTQ
3. LGBTQQ
4. LGBTQIA
5. LGBTTTQQAAP

چندجنس گرایی و همه جنس گرایی هم شود^۱ (Sherwood Thompson, 2014: 98).

یک فرد دوجنسی (یا میان جنسی) کسی است که با ساختار جنسی، اندام‌های تناسلی و یا الگوهای کروموزومی متفاوت با زنان یا مردان معمولی به دنیا می‌آید. این قضیه ممکن است در زمان تولد و یا بعدها در زندگی فرد آشکار شود. فرد دوجنسی ممکن است به عنوان مرد یا زن و یا هیچ کدام خود را شناسایی و معرفی کند. موضوع دوجنسی بودن مربوط به گرایش یا هویت جنسی نیست:

افراد دوجنسی، گرایش و هویت جنسی مشابهی را مثل دیگران تجربه می‌کنند. دوجنس گرایی یکی از سه گرایش جنسی اصلی در انسان می‌باشد؛ افرادی که گرایش جنسی مجزا اما نامشخصی نسبت به یک جنس دیگر دارند خود را دوجنس‌گرا معرفی می‌کنند (Crompton, Louis, 2003: 197) علاوه بر انسان، دوجنس گرایی در قلمرو جانوران نیز دیده شده است (Bagemihl, Bruce, 1999: 182, Roughgarden, Joan, 2004: 520, Driscoll, Emily V. 2008: 150) استفاده از این واژه در قرن ۱۹ شکل گرفت (Harper, Douglas, 2001: 160) کلیشه‌های گوناگونی چه از سوی دگرجنس‌گرایان و همجنس‌گرایان و چه از سوی دیگر دگرباشان جنسی، علیه دوجنس‌گرایان اعمال شده است. کلیشه‌هایی مثل اینکه دوجنس‌گرایان یا همجنس‌گرا هستند یا دگرجنس‌گرا و اصولاً

1. نوامبر American Psychological Association. «Understanding Bisexuality». *GLAAD Media Reference Guide*. Archived from the original on January 2011. Retrieved March 2011. Christina Richards, Meg Barker (2015). *Sexuality and Gender for Mental Health Professionals: A Practical Guide*. SAGE Publications. p. 11. ISBN 978-1-4462-8716-2 Retrieved August 2017. 23 The identity 'bisexual' can be considered to be an umbrella term which includes all of the following groups and more: [...] People who don't see gender as a defining feature of their sexual attraction (some may also use terms like pansexual, omnisexual or ecosexual - see Glossary. Retrieved August 2017. 23 There are many other identity labels that could fall under the wider umbrella of bisexuality, such as pansexual, omnisexual, biromantic, or fluid (Eisner,

مفهوم دوجنس‌گرایی وجود ندارد. همچنین مانند این که افراد دوجنس‌گرا در پیدا کردن هویت خود سردرگمند و در نهایت به یکی از دو گروه همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا تعلق پیدا می‌کنند.

ج: خنثی

خنثی، دارنده آلت تناسلی مرد و زن می‌باشد و از نظر جنسیت یا مرد است و یا زن؛ هرچند برخی احتمال وجود جنس سوّمی را که نه مرد باشد و نه زن، بلکه مصداق هر دو عنوان باشد، مطرح کرده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۸/۱).

در کاربرد عمومی، واژه «خنثی» به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل برخورداری همزمان از ویژگی‌های زیستی مردانه و زنانه، در چارچوب تقسیم‌بندی سنتی دوگانه جنسیتی، نه به عنوان مرد و نه به عنوان زن قابل طبقه‌بندی نیست. ریشه این واژه در زبان عربی، ماده «خ-ن-ث» است که بر معانی لطافت، نرمی و انعطاف‌پذیری دلالت دارد. به عنوان نمونه، تعبیر «خَنَثَ الرَّجُلُ کَلَامَهُ» بدین معناست که مرد در گفتارش نرمی و لطافتی به کار برد همچون سبک گفتار زنان. از همین ریشه، واژه «مُخَنَّث» مشتق شده است که به مردانی اطلاق می‌شود که در رفتار یا ظاهر، به زنان شباهت دارند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۴؛ الزبیدی، ۱۴۱۴: ذیل ماده «خنث»).

در ادبیات فقهی، واژه «خنثی» غالباً به فردی اطلاق می‌شود که به طور همزمان دارای هر دو اندام تناسلی مردانه و زنانه است (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۳۸۸: ۲۶۶/۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۷/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۴۰/۱۳). با این حال، برخی فقیهان، خنثی بودن را صرفاً به وجود توأمان دو اندام تناسلی منحصر نمی‌دانند بلکه آن را در معنایی عام‌تر، ناظر به ابهام در تعیین هویت جنسی و ناتوانی از انتساب فرد به یکی از دو جنس می‌دانند. در همین راستا، برخی از فقیهان امامیه همچون شیخ طوسی (۱۳۸۸: ۱۱۴/۴) و نیز فقیهان اهل سنت مانند ابن قدامه (ابن قدامه، بی تا: ۱۱۴/۷؛ مغربی، ۱۴۱۶: ۶۱۰/۸-۶۱۱)؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۱: ۲۸/۳) افرادی را که فاقد هرگونه اندام تناسلی هستند (افراد

مَمْسُوح)، نیز در زمره خنثائی به شمار آورده‌اند. این تلقی گسترده از مفهوم «خنثی» مؤید آن است که ملاک در تشخیص این عنوان فقهی، صرف وجود یا عدم وجود اندام تناسلی خاص نیست، بلکه مسأله اصلی، ابهام در تعیین جنسیت حقیقی فرد است که از نظر فقهی، آثار متعددی در ابواب عبادات، معاملات، و احکام شخصی بر آن مترتب می‌شود.

۲- اقسام خنثی و وضعیت دگرباشان

خنثی بر دو قسم است: مشکل و غیر مشکل.

الف: خنثی مشکل

خنثای مشکل به خنثایی گفته می‌شود که تعیین جنسیت او به جهت محقق نشدن اوصاف و نشانه‌های زنان یا مردان یا تعارض آنها با یکدیگر، ممکن نیست. به بیان دیگر، خنثایی که دارای علائم و قرائن چینی نیست، خنثای مشکل خواهد بود (خمینی، ۱۳۹۹: ۳۹۹/۲).

توضیح این که از منظر فقهی، وصف مشکل برای خنثی غالباً وصفی توضیحی است، نه قیدی احترازی و موضوع بحث فقها در مقام استنباط احکام خنثی در ابواب مختلف، تقریباً همیشه خنثای مشکل است. به بیان دیگر، تقسیم‌بندی مذکور صرفاً به لحاظ افراد و مصادیق خنثی نیست، بلکه به لحاظ مراحل فرایند تعیین مصادیق است. بدین ترتیب که در فقه برای تعیین جنس خنثی راهکارها و مراحل مطرح شده است که اگر پس از طی این مراحل، جنسیت خنثی معلوم شود او را خنثای واضح می‌نامند و در غیر این صورت، خنثای مشکل محسوب می‌شود.

ب: خنثی واضح (غیر مشکل)

خنثایی که در پرتو علائم تعیین شده در شرع و یا بنا بر قول برخی، قرائن و مرجحات دیگر به یکی از دو جنس مرد یا زن ملحق می‌گردد، خنثای غیر مشکل و محکوم به احکام همان جنس است.

به عبارت دیگر، خنثای واضح خنثایی است که مرد بودن یا زن بودن او با استناد به اموری چون آمارات شرعی یا نشانه‌های مخصوص زنان و مردان معلوم شود. چنین فردی پس از تعیین جنسیت و الحاق به جنس مذکر یا مؤنث، مشمول احکام همان جنس می‌شود و آلت تناسلی نامربوط به جنسیت تعیین شده، حکم عضوی زائد را در بدن او می‌یابد (ابن قدامه، بی تا: ۱۱۴/۷؛ مغربی، ۱۴۱۶: ۸/۶۱۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۲: ۱۲/۶۴۲). به تصریح برخی فقها اطلاق خنثی بر خنثای واضح از باب مجاز بوده و مصداق واقعی خنثی همان خنثای مشکل است (نووی، بی تا: ۵۰: ۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳-۱۴۱۹: ۱۳/۲۴۲). حقوق بشر، حقوق ذاتی تمامی انسان هاست. تمامی ما انسان ها به یک اندازه و رها از هرگونه تبعیض باید از حقوق انسانی برخوردار باشیم؛ صرف نظر از ملیت، محل اقامت، جنسیت، خاستگاه ملی یا قومی، رنگ، مذهب، زبان و یا هرگونه وضعیتی دیگر از جمله سن، معلولیت، وضعیت سلامت، گرایش یا هویت جنسی. این حقوق، خواه حقوق مدنی و سیاسی باشند (مانند حق زندگی، برابری در مقابل قانون و آزادی بیان) و یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشند (مانند حق کار، داشتن امنیت اجتماعی و آموزش و پرورش) حقوقی جهان شمول، جدایی ناپذیر و مرتبط با یکدیگرند.

حقوق بشر، اولین بار در پاسخ به جنایات صورت گرفته در جنگ جهانی دوم، در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) بیان شد. مقررات جهانی حقوق بشر اغلب توسط قانون، در شکل هایی مانند معاهده‌ها، قوانین بین‌المللی، اصول کلی و دیگر منابع حقوق بین‌الملل بیان و تضمین شده است. قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دولت ها را موظف می‌سازد تا بر اساس ضوابط مشخصی عمل کنند و یا از برخی اعمال مشخص خودداری ورزند تا حقوق انسانی و آزادی های اساسی افراد و گروه ها، ترویج و حفاظت گردد. با عضو شدن در معاهدات بین‌المللی، دولت ها متعهد به اجرای مسئولیت ها و وظایفی می‌گردند که مطابق آن باید حقوق انسانی افراد مورد

احترام قرار گیرد، از این حقوق حمایت گردد و این حقوق احقاق گردد. تعهد به محترم شمردن حقوق بشر بدان معنی است که دولت‌ها بایستی از مداخله در حقوق بشر و یا محدود ساختن بهره مندی افراد از حقوق انسانی خود پرهیز کنند. تعهد دولت‌ها به حفاظت از حقوق بشر آنان را متعهد می‌سازد تا از افراد و گروه‌ها در برابر نقض این حقوق توسط اشخاص ثالث مراقبت کنند. تحقق حقوق بشر افراد بدین معنا است که دولت‌ها باید گام‌های اجرایی مثبتی بردارند تا تمامی افراد بتوانند از حقوق اساسی و انسانی خود به‌شکلی کامل بهره‌مند شوند (فتاحی معصوم، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

دگرباشان جنسی در تمام سنین و در تمام نقاط جهان، از نقض حقوق بشر خود رنج می‌برند. آنها مورد حمله فیزیکی قرار می‌گیرند، ربوده می‌شوند، مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند و به قتل می‌رسند. در بیش از یک سوم از کشورهای جهان، مردم ممکن است برای داشتن روابط خصوصی و همجنس‌خواهانه‌ی مبتنی بر رضایت طرفین، دستگیر و زندانی (و حداقل در پنج کشور اعدام) شوند. دولت‌ها غالباً به اندازه کافی از دگرباشان جنسی در مقابل رفتارهای تبعیض آمیز در حوزه زندگی خصوصی، از جمله در عرصه کاریابی، یافتن مسکن و دسترسی به خدمات بهداشتی حمایت نمی‌کنند. کودکان و نوجوانان دگرباش در مدرسه با قلدری مواجه می‌شوند و ممکن است توسط پدر و مادر خود از خانه بیرون انداخته شوند و یا بالاجبار به تیمارستان ارجاع داده شوند و یا مجبور به ازدواج شوند. به افراد ترانجسنی غالباً کارت شناسایی رسمی که منعکس‌کننده جنس مورد نظر این افراد است داده نمی‌شود، و این افراد به خاطر نداشتن اوراق هویت قادر نیستند کار کنند، سفر بروند، حساب بانکی باز کنند و یا به خدمات عمومی دسترسی پیدا نمایند (همان).

قوانین بین المللی حقوق بشر دولت‌ها را ملزم ساخته است تا برخورداری همه افراد را از حقوق بشر خود، بدون هیچ تمایزی، تضمین کنند. گرایش و هویت جنسی،

همانند نژاد، جنس، رنگ و یا مذهب افراد، تنها نشان دهنده موقعیت و حالت فرد است. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل تایید دارند که مطابق قوانین بین‌المللی، اعمال تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی ممنوع است (Bagemihl, 1999: 182).

برخی از درمان‌های پزشکی که به زور به افراد تحمیل می‌شود نیز می‌تواند عملاً نوعی شکنجه باشد. از جمله این موارد می‌توان به معاینه مقعد مردان همجنس‌گرا برای «اثبات» همجنس‌گرایی آنها، عقیم کردن ناخواسته افراد تراجنسیتی و شوک درمانی الکتریکی برای «تغییر» گرایش جنسی افراد اشاره کرد.

۳- تأثیر تغییر جنسیت در جرایم علیه اشخاص

۳-۱- تغییر جنسیت قاتل و مقتول

رویکرد افتراقی قوانین جزایی نسبت به زن و مرد به جهت محاسبه میزان خون بها، از جمله چالش‌هایی می‌باشد که به خودی خود معترضین زیادی در زمان معاصر را داشته است؛ با وجود این، مسأله زمانی پیچیده‌تر خواهد شد که زنی مرتکب قتل مردی شود و پیش یا پس از ارتکاب قتل، تغییر جنسیت دهد که در این صورت نیز این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا در این صورت همچنان شخص قاتل قصاص شده یا پرداخت تفاضل دیه به قوت خود باقی می‌باشد و یا به دلیل جنسیت واحد قاتل و مقتول این قضیه منتفی می‌باشد؟ اگر زنی مرتکب قتل زنی دیگر شود و بعد از کشتن او جنسیت خود را تغییر دهد، اولیای دم مقتوله باید به قاتل تفاضل دیه راپردازند یا ملاک، جنسیت پیشین می‌باشد؟ در جواب سؤال آخر بعضی این احتمال را می‌دهند که ملاک صدور حکم جنسیت فعلی قاتل می‌باشد؛ یعنی زن قاتلی که در هنگام صدور حکم، هویتی مردانه دارد استحقاق دریافت مازاد دیه پیش از قصاص نفس را دارد. یکی از فقهای معاصر در توجیه این دیدگاه بیان می‌دارد: هرچند اقتضای استصحاب، عدم ردّ می‌باشد، ولی از طرف دیگر مقتضی اطلاقات قصاص مرد در

برابر زن خلاف این استصحاب بوده و عرف نیز زن تغییر جنسیت داده را مرد به حساب می‌آورد (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۱۱). این با قاعده تفسیر به نفع متهم در قوانین جزایی نیز همپوشانی زیادی دارد. در جهت مخالفت با احتمال اول به نظر می‌رسد قوانین کیفری و رویه جاری ملاک را قرار دادن جنسیت در هنگام وقوع جرم می‌دانند؛ بدین مفهوم زنی که تغییر جنسیت داده صرفاً از جنبه ظاهری، شکل و شمایل مردانه دارد اما از جهت بار مسئولیت کیفری همواره احکام جنسیت مؤنث را داراست. این احتمالات در صورتی که مقتول تغییر جنسیت داده باشد همچنان جاری است؛ بدین معنی که بعضی بر این باورند که دیه یا خون بهای مردی که پیش از تغییر جنسیت زن بوده است به صورت کامل می‌باشد، ولی در دیدگاهی دیگر می‌شود قائل به تفکیک گردیده به این ترتیب که اگر زنی به صورت واقعی و نه صوری و ظاهری به مرد تبدیل شده باشد، استحقاق دریافت دیه کامل را دارد ولی اگر تغییرات ظاهری و صوری باشد سبب تغییر در احکام نمی‌گردد. هرچند در این خصوص نیز قانونگذار باز ملاک را جنسیت هنگام ارتکاب جرم در نظر می‌گیرد و خود را در گیر احتمالات پیشین نمی‌نماید. به صورت خلاصه می‌توان ابراز نمود که اجرای احکام قصاص نفس بعد از تغییر جنسیت در مورد قصاص عضو یا قصاص جنایت علیه اعضاء نیز به همین صورت می‌باشد و ملاک، جنسیت قاتل یا مقتول در هنگام ارتکاب جرم می‌باشد (همان).

۲-۳- تغییر جنسیت پدر و مادر

پدر، علت وجودی فرزند می‌باشد و به همین علت از قصاص معاف بوده و در صورت قتل فرزند، استحقاق دیه و تعزیر را دارد، اما با توجه به این که مادر در صورت قتل فرزند از قصاص معاف نمی‌باشد این استدلال زیر سؤال می‌رود، چه آن که مادر نیز به اندازه پدر در تولد و رشد فرزند نقش دارد. با بیان این مطلب حکم پدری که بعد از قتل فرزند و در هنگام رسیدگی به پرونده و پیش از صدور حکم، اقدام به تغییر جنسیت می‌نماید چگونه است؟ در این صورت نیز آیا همچنان پدر معافیت ذکر

شده را دارد و یا این که همانند مادر قصاص می‌شود؟ برخی بر این باورند دلیل این حکم اختصاص به مردان دارد و در صورت انجام عمل تغییر جنسیت، پدر یا جد پدری مستحق قصاص می‌باشند؛ لکن در رد این استدلال بیان می‌گردد که به صرف تشکیل شدن نطفه از شخص، عنوان پدری در خصوص او صادق است (مؤمن قمی، ۱۳۷۵: ۱۲۰).

حکم کلی اسلام نیز بر این اصل استوار است که قصاص پدر بعد از کشتن فرزند را نفی می‌کند ولی حکم جزئی درباره پدری که جنسیت خود را تغییر داده است سبب گریده تا در خصوص حکم کلی نیز دچار چالش‌ها و ابهاماتی گردیم. سؤالی که در این مورد به ذهن نگارندگان می‌رسد علت عدم قصاص جد پدری بعد از انجام تغییر جنسیت می‌باشد، چون که اگر بخواهیم توجیه موافقان نفی قصاص پدر بعد از تغییر جنسیت را بپذیریم - بدین مفهوم که اگر قبول نمائیم به وجود آمدن نطفه در رحم مادر برای شناسایی شخص به عنوان پدر کفایت می‌کند - باز هم نمی‌توان این استدلال را در خصوص جد پدری عمومیت داد، بلکه در این صورت تنها توجیه این می‌باشد که جد پدری به سبب آن که علت وجودی پدر فرزند است، معاف می‌باشد. ولی بعضی مطلقاً اعتقاد دارند که منحصر بودن عنوان پدر و مادری به پدر و مادر در صورت انعقاد نطفه فقط در مورد پدر و مادر است و «پدر بزرگ و مادر بزرگ چه از لحاظ موضوعی چه از لحاظ حکمی همانند این دو هستند» (همان)

همراه با مجموعه دلایل مطروحه از جهت جزایی نیز می‌توان تفسیر به نفع متهم را دلیل مطلوبی در جهت بقاء حکم ذکر شده به شمار آورد، چه آن که در جهت حل شبهه موضوعیه ایجاد آمده درباره رابطه ابوت که از موانع قصاص محسوب می‌شود، ملاک رأی قاضی صادرکننده رأی، اصل برائت است. سرانجام و با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان به این نتیجه رسید که مادر نیز به طریق اولی، در صورت انجام عمل تغییر جنسیت همچنان قصاص می‌شود و نمی‌تواند این امر را به عنوان توجیهی

برای فرار از مجازات کشتن فرزند ارائه دهد ولی با تغییر جنسیت پدر یا جد پدری چه پیش از ارتکاب قتل و چه پس از آن، خدشه‌ای بر این حکم وارد نمی‌شود (داوودی و گرمارودی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵).

۴- اعمال تبعیض بر افراد گی، لزبین، دوجنس گرا، تراجنسی یا خنثی (دگرباشان جنسی)

حقّ برابری و رهایی از تبعیض، از اصول اساسی حقوق بشر است و این حقّ در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و معاهدات حقوق بشر درج شده است. کلمات آغازین اعلامیه جهانی حقوق بشر به شکلی صریح می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند». حقّ برابری و رهایی از تبعیض ارائه شده توسط قوانین بین‌المللی حقوق بشر برای همه مردم، بدون در نظر گرفتن جنس، گرایش و هویت جنسی یا «وضعیت‌های دیگر» آنان تضمین شده است. هیچ زیرنویس یا هیچ بند معافیت مخفیانه‌ای در هیچ کدام از معاهدات حقوق بشر موجود نیست که به واسطه آن یک دولت بتواند تا حقوق کامل برخی را رعایت کند، اما صرفاً بر پایه گرایش و هویت جنسی افراد، از اعطاء حقوق به بقیه افراد خودداری ورزد.

علاوه بر این، نهادهای ناظر بر معاهده حقوق بشر سازمان ملل متحد تأیید کرده‌اند که گرایش و هویت جنسی جزو موارد ذکر شده در قوانین بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود و تبعیض نهادن بر اساس آنها ممنوع است؛ یعنی هرگونه تمایز و تبعیض در حقوق مردم بر اساس این واقعیت که آنها دگرباش جنسی هستند، غیر قانونی است، همان طوری که تبعیض به علت رنگ پوست، نژاد، جنسیت، دین و یا هر وضعیت دیگری غیر قانونی است. این قضیه بارها و بارها در تصمیم‌گیری و راهنمایی‌های عمومی، توسط نهادهای معاهده، مانند کمیته حقوق بشر سازمان ملل

متحد، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق کودک، کمیته مبارزه با شکنجه و کمیته رفع تبعیض علیه زنان تأیید شده است.

دفتر حقوق بشر سازمان ملل، طیف گسترده‌ای از نقض حقوق بشر علیه افراد صرفاً بر اساس گرایش و هویت جنسی آنان را ثبت کرده است؛ این موارد مشتمل هستند بر:

- حمله خشونت بار، اعم از حمله شدید کلامی و بی‌احترامی لفظی، قلدری و آزار روانی، ضرب و شتم فیزیکی، شکنجه، آدم ربایی و قتل‌های از قبل برنامه ریزی شده.

- قوانین کیفری تبعیض‌آمیز که اغلب برای آزار و اذیت و مجازات دگرباشان جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جمله قوانینی که روابط جنسی مبتنی بر رضایت طرفین را جرم تلقی کرده و از اینرو ناقض حق حریم خصوصی افراد و حق‌رهایی آنان از تبعیض است.

- ایجاد محدودیت‌های تبعیض‌آمیز در زمینه آزادی بیان و ایجاد محدودیت‌های مشابه در زمینه حق تشکیل آزادانه مجامع و تجمعات مسالمت‌آمیز و نیز قانون ممنوعیت انتشار مطالب مربوط به همجنس‌گرایی که به بهانه محدود ساختن «تبلیغ» دگرباشی جنسی صورت گیرد.

- رفتار تبعیض‌آمیز که می‌تواند در مکان‌های گوناگونی رخ دهد، از جمله در محل کار، مدارس، خانه، خانواده و بیمارستان. در صورت عدم وجود قوانین ملی منع تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی، چنین رفتارهای تبعیض‌آمیزی بی‌وقفه ادامه می‌یابد و راهی برای دادخواهی کسانی که از این اقدامات متضرر می‌شوند باقی نخواهد ماند. در این شرایط، عدم به رسمیت شناختن روابط همجنس‌گرایانه یا عدم به رسمیت شناختن هویت جنسی افراد، می‌تواند تأثیری تبعیض‌آمیز بر زندگی بسیاری از دگرباشان جنسی داشته باشد.

۵- ارتکاب قتل توسط دو جنسه (خنثی)

۵-۱- دیدگاه‌ها پیرامون تأثیر جنسیت در قصاص

الف: قصاص خنثی مشکل

فقه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت بر این باورند که مرد قاتل در برابر کشتن عمدی زن قصاص می‌گردد بدون این که ورثه مقتوله ملزم باشند نصف دیه قاتل را به وی پرداخت نمایند (الجزیری، ۱۴۰۶: ۲۸۷). ولی در فقه امامیه در این مورد مطابق دیدگاه مشهور بر این امر تأکید می‌کنند که جنسیت در قصاص تأثیر دارد و تعیین قصاص زن و مرد با هم فرق دارد. به بیان دیگر، در اصل وجود تفاوت قصاص زن و مرد در اعضاء و جراحات بین فقه‌های امامیه اتفاق نظر وجود دارد، ولی در حدّ برابری آن با یکدیگر اتفاق نظر ندارند. در میان فقها، صاحب سرائر (ابن ادریس، ۱۴۱۱: ۳۸۹/۳) و صاحب النهایه (شیخ طوسی، بی تا: ۷۶۸) قاتل به گذشتن از یک سوم می‌باشند؛ یعنی اگر دیه عضو یا جراحت از یک سوم دیه کامل مرد بگذرد دیه زن نصف مرد می‌باشد و دیگر فقها قائل اند که باید به یک سوم برسد؛ یعنی تا وقتی که دیه عضو یا جراحت به یک سوم نرسید زن و مرد با هم مساوی هستند، ولی اگر به یک سوم برسد دیه زن نصف مرد خواهد بود (خمینی، ۱۳۹۹: ۵۹۶/۲).

لکن دیدگاه غیر مشهور به بیان دیگری اعتقاد داشته و جنسیت را در قصاص مؤثر نمی‌داند. این مسأله از این جهت مهم است که این بحث در وضعیت افراد خنثی فراوان مؤثر می‌باشد و ضرورت دارد جنسیت غالب این اشخاص معین گردد و سرانجام حکم قصاص در مورد آنها صادر گردد (دیوسالار و دیگران: ۱۴۰۰: ۲-۵).

برخی بیان نموده اند در فرض به قتل رسیدن مردی توسط دو خنثی مشکله، ولی دم مقتول حق دارد نیمی از دیه مرد را به آنها داده و هر دو نفر را قصاص کند (اهری، ۱۳۷۸: ۲۱۱). حقوقدانان بیان نموده اند که دیه فرد خنثی در فرض مشکل و مسلمان بودن، نصف دیه مرد و زن و معادل سه چهارم دیه مرد است؛ چراکه باید مرد یا زن بودن

وی را به یک اندازه محتمل تصوّر کرد؛ لذا دیه او نیز باید بین دیه مرد و زن باشد (همان: ۲۱۵). برخی فقها استنباط حکم خنثی را یکی از دشوارترین موضوعات می دانند (السرخسی، ۱۴۰۶: ۱۰۴). در مورد قصاص نفس اگر مردی، خنثی مشکل را بکشد اولیای مقتول بعد از بازگرداندن یک چهارم دیه به اولیای قاتل می توانند او را قصاص نمایند؛ و اگر خنثی مشکل، زنی را به قتل برساند اولیای زن پس از ردّ یک چهارم دیه به اولیای خنثی مشکل، حقّ قصاص وی را دارند؛ ولی اگر هر دو طرف خنثی باشند قاتل بدون هیچ گونه ردّی قصاص می گردد (فاضل هندی، ۱۴۲۲: ۲۵۹/۱۱).

اگر دو خنثای مشکل در قتل یک مرد مشارکت نمایند، هر دو به عنوان قصاص کشته می شوند در صورتی که ولیّ دم بخواهد، همان طور که دو مرد یا دو زنی که در قتل یک نفر شرکت نموده اند، کشته می شوند (نصف دیه یک مرد به آنها داده می شود و آن را به صورت مساوی بین خود تقسیم می نمایند) (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۲: ۱۲)، چون دیه هر یک از افراد خنثی نیمی از دیه مرد و نیمی از دیه زن می باشد که در مجموع سه چهارم دیه کامل مرد می باشد و بدین ترتیب مقدار زائد بر جنایت هر یک نسبت به دیه خویش، یک چهارم دیه مرد می باشد؛ ولی اگر اولیای دم قصاص یکی از آن دو را درخواست نماید، یک چهارم دیه مرد را که یک سوم دیه خنثی می شود، به او ردّ می کند و وی را قصاص می نماید و شخص خنثایی که قصاص نشده نصف دیه مرد را برمی گرداند؛ در نتیجه، یک چهارم دیه مرد برای ولیّ باقی می ماند (شهید ثانی، بی تا: ۸۸-۸۷).

کشتن عمدی خنثای مشکل موجب ثبوت قصاص است. اگر مردی خنثایی را بکشد اولیای مقتول پس از بازگرداندن یک چهارم دیه به اولیای قاتل، می توانند او را قصاص کنند؛ چنان که اگر خنثی زنی را بکشد، اولیای زن پس از ردّ یک چهارم دیه به اولیای خنثی، می توانند او را قصاص کنند؛ لیکن اگر هر دو طرف خنثی باشند قاتل - بدون هیچ گونه ردّی - قصاص می شود (فاضل هندی، ۱۴۲۲: ۵۵/۱۱).

اما در خصوص قصاص عضو، اگر مردی یا خنثایی آلت تناسلی خنثایی را قطع کند قصاص نمی‌شود؛ لیکن اگر خنثی، غیر مشکل و ملحق به مرد باشد در جنایت بر آلت مردانه و بیضه وی قصاص و بر آلت زنانه اش ارش ثابت است، و اگر جانی زن باشد در جنایت بر آلت رجولیت، دیه و بر آلت انوئیت، ارش ثابت خواهد بود؛ و اگر خنثای غیر مشکلی که جنایت بر او وارد شده است ملحق به زن باشد بر جانی مرد قصاص نیست و در جنایت بر آلت انوئیت، دیه و بر آلت رجولیت، ارش ثابت است؛ لیکن اگر جانی زن باشد در جنایت بر آلت انوئیت، قصاص می‌شود و در جنایت بر آلت رجولیت، ارش ثابت است (نجفی، ۱۳۶۳: ۳۷۸/۴۲).

از موارد ارش و پرداخت آن این است که اگر عضوی که جنایت روی آن انجام گرفته و از بین رفته و دوباره بهبود یابد مانند آن که دندان شکسته شده، رشد کند یا موهای زایل شده سرو محاسن دوباره برویند، ارش آن باید پرداخت گردد (شهید ثانی، بی‌تا: ۸۸). در مجموع کشتن عمدی مستوجب قصاص نفس می‌باشد، اگر چه مقتول زن باشد به طریق اولی کشتن عمدی خنثای مشکل نیز موجب ثبوت قصاص است. اگر مردی، خنثایی را بکشد اولیای مقتول پس از برگرداندن یک چهارم دیه مرد به اولیای قاتل می‌توانند او را قصاص کنند، و زن در برابر زن قصاص می‌شود و به طریق اولی، زن در برابر خنثی قصاص می‌گردد و چیزی به اولیای خنثی رد نمی‌شود و نیز آنجا که خنثی در برابر مرد قصاص می‌گردد و چیزی به اولیای مرد رد نمی‌شود، لیکن اگر دو طرف خنثی باشند قاتل بدون هیچ گونه ردی قصاص می‌شود (شیروانی، ۱۳۷۹: ۴۶).

بنابراین، اختلاف جنسیت قاتل و مقتول قصاص را منتفی نمی‌سازد؛ به طور مثال، اگر دو زن در کشتن یک مرد با هم مشارکت کنند هر دو کشته می‌شوند و چیزی به آنها رد نمی‌شود، زیرا زیاده‌ای بر آن دو از دیه مرد نیست و به دیگر سخن، دیه آنان زائد بر سهمی که در جنایت دارند، نیست چون دیه دو زن با دیه یک مرد برابر است و ولی دم می‌تواند یکی از آن زنان را بکشد که در این صورت، زن دیگر آن مقدار از

دیه مقتول را که سهم جنایت اوست، می پردازد و آن برابر است با دیه کامل یک زن و چیزی برای زنی که قصاص شده نخواهد بود.

ب: قصاص خنثی غیر مشکل (واضح)

نکته مهم در خصوص قصاص افراد خنثی، بحث تعیین هویت جنس غالب است. لذا بررسی معیارهای موجود در این خصوص از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. بدیهی است که بعد از تشخیص جنس غالب، وضعیت قصاص مشخص می شود؛ زیرا فقه و قانونگذار به وضوح مجازات زن و مرد جانی را مشخص کرده است؛ لذا در این مبحث تأکید عمده بر معیار و روش تعیین جنسیت افراد خنثی غیر مشکل (واضح) در فقه است.

همان طور که اشاره شد خنثای واضح، خنثایی است که مرد بودن یا زن بودن او با استناد به اموری چون امارات شرعی یا نشانه های مخصوص زنان و مردان معلوم شود؛ چنین فردی پس از تعیین جنسیت و الحاق به جنس مذکر یا مؤنث، مشمول احکام همان جنس شده و آلت تناسلی نامربوط به جنسیت تعیین شده، حکم عضوی زائد را در بدن او می یابد (ابن قدامه، بی تا: ۱۱۴/۷؛ مغربی، ۱۴۱۶: ۶۱۰/۸، طباطبائی، ۱۴۱۲: ۶۴۲/۱۲) به تصریح برخی فقها، اطلاق خنثی بر خنثای واضح از باب مجاز بوده و مصداق واقعی خنثی همان خنثای مشکل است (نووی، بی تا: ۵۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۴۱-۲۴۲). توضیح این که از منظر فقهی، وصف مشکل برای خنثی بیشتر وصف توضیحی می باشد و قید احترازی نیست و موضوع مورد بحث فقها در مقام استنباط احکام خنثی در باب- های گوناگون، تقریباً همواره شامل خنثای مشکل می باشد.

مسأله اصلی فقیهان امامی و اهل سنت درباره خنثی آن است که آیا خنثی در واقع یکی از افراد جنس مذکر یا مؤنث است یا یک جنس سوم به شمار می رود؟ بیشتر آنان با استناد به آیاتی از قرآن کریم (نساء: ۱۱؛ غافر: ۴۰؛ شوری: ۴۹؛ نجم: ۴۵) انسان را منحصر به دو جنس مرد و زن دانسته و بر آنند که جنس سومی وجود ندارد؛ بنابراین

خشتی، به رغم ابهام در جنسیت او، در واقع یا مرد است یا زن (جصاص، ۱۴۱۵: ۵۵۱/۳؛ السرخسی، ۱۴۰۶: ۳۰/۹۱؛ صدر، ۱۴۰۶: ۲۲۳/۸، حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۱/۴۱۳).

بر پایه این نظر مشهور که خشتی در واقع یا مرد است یا زن، تعیین جنسیت خشتی در اسرع وقت اهمیت دارد؛ زیرا باقی ماندن در ابهام جنسیتی از یک سو به بلا تکلیفی خشتی در چگونگی امتثال تکالیف و الزامات و حتی احکام غیر الزامی شرعی که در آنها میان زن و مرد تفاوت وجود دارد، می انجامد و از سوی دیگر، مانع تعیین تکلیف وضعیّت قصاص می شود. خنثایی که در پرتو علائم تعیین شده در شرع و یا بنا بر قول برخی قرائن و مرجّحات دیگر به یکی از دو زن یا مرد ملحق می گردد، محکوم به احکام همان جنس است (خمینی، بی تا: ۳۳۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۶۴۲).

۲-۵- ادله دیدگاه ها پیرامون تأصیر جنسیت در قصاص

۱-۲-۵- ادله دیدگاه مشهور

مهم ترین استدلال دیدگاه مشهور بر اساس استناد به آیه ۱۷۸ سوره بقره می باشد. این آیه اشعار می دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرِّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عَفَىٰ لَهْرَ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَّىٰ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ: ای کسانی که ایمان آورده اید درباره کشتگان بر شما حق قصاص مقرر شده؛ آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و هر کس که از جانب برادر دینی اش، یعنی ولیّ مقتول چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود باید از گذشت ولیّ مقتول به طور پسندیده پیروی کند و با رعایت [احسان] خون بها را به او پردازد این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست پس هر کس بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است». بسیاری از فقها چنین استفاده می کنند که چون تصریح شده مرد آزاد در برابر مرد آزاد و زن در مقابل زن قصاص می شود، پس اگر مردی زن را کشت نمی توان او را قصاص نمود؛ زیرا منطوق آیه دلالتی بر این امر ندارد و از سوی

دیگر، جان زن با جان مرد برابر نیست بلکه جان زن مقابل نصف جان مرد است؛ بنابراین اگر بخواهیم جان کامل را در برابر جان ناقص بگیریم باید مابہ التفاوت آن را پردازیم و لذا در صورت قصاص مرد، باید نصف دیہ پرداخت شود (طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۷۹).

دلیل دیگری کہ فقہای شیعه برای پرداخت فاضل دیہ توسط اولیای دم زن آورده اند، اجماع می باشد. در بیانات فقہی، فقہای امامیہ بہ اجماع و اتفاق اعتقاد دارند کہ در صورتی مرد بہ لحاظ کشتن زن قصاص می شود کہ قبلاً نصف دیہ مرد از سوی اولیای مقتولہ پرداخت شدہ باشد (حرّ عاملی، بی تا: ۲۰۵/۲۹). شیخ طوسی در کتاب الخلاف مشروط بودن قصاص مرد در برابر زن بہ پرداخت فاضل دیہ را امری اجماعی دانستہ و می گوید: «مرد در برابر زن کشتہ می شود مشروط بہ آن کہ بستگان زن افزونی دیہ را کہ پنج ہزار درہم است برگردانند. و این مطلب از حسن بصری از علی (ع) روایت شدہ است ... دلیل ما بر آن چہ بیان شد، اجماع طائفہ امامیہ و روایات آنان است. همچنین این سخن خداوند سبحان زن در برابر زن دلالت دارد کہ مرد در برابر زن کشتہ نمی شود» (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۴۵)

بہ گفتہ صاحب جواہر، اگر مرد آزادی، مرد آزاد دیگری را بہ قتل برساند، قصاص می شود. بر این موضوع، کتاب، سنّت و اجماع دلالت دارند بلکہ می توان گفت این موضوع بہ حکم ضرورت ثابت است. همچنین اگر مرد آزادی زن آزادی را بہ قتل برساند قصاص می شود، البتہ با پرداخت نصف دیہ مرد؛ در این موضوع هیچ اختلافی وجود ندارد، بلکہ ہر دو نوع اجماع در اینجا اقامہ شدہ است. علاوہ بر آن، نصوص مستفیض و یا متواتری کہ پیش از این بہ بعضی از آنها اشارہ شد، بر این موضوع دلالت دارند (نجفی، ۱۳۶۷: ۸۲/۳۹).

۲-۵- ادلہ دیدگاہ غیر مشہور

برخی از فقہا نظیر ابن ادریس بر این باورند کہ از آیہ ۱۷۸ سورہ بقرہ نمی توان تفاوت میان زن و مرد در قصاص را برداشت کرد. بدین صورت کہ این سخن خدای

تعالی (و زن در مقابل زن) دلالت بر این ندارد که مرد در برابر زن کشته نمی شود (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳/۳۰۹). از این دیدگاه، همان طور که از مفاد آیه ۴۵ سوره مائده مورد استفاده قرار می گیرد به صورت مطلق قصاص نفس در برابر نفس و هر یک از اعضا در برابر همان عضو بیان گردیده و قیدی در باب زن یا مرد بودن و تفریق جنسیتی به چشم نمی خورد.

از این منظر، کسانی که چنین سوء برداشتی از آیه ۱۷۸ سوره بقره دارند، تفاوت ذاتی ارزش بین زن و مرد را مسلم دانسته اند و متفاوت بودن حکم قصاص و برخی احکام دیگر همچون نصف بودن دیه زن و وضعیّت شهادت او و ... را نیز بر همین معیار می سنجند که البته چنین رویکردی به وضوح بعید می نماید همچنان که ابن قدامه در کتاب المغنی می گوید: زن و مرد دو شخص هستند که هر کدام دیگری را قذف کند بر او حدّ جاری می شود؛ بنابراین هر کدام دیگری را به قتل رساند باید قصاص شود بدون این که لازم باشد چیزی پرداخت گردد (ابن قدامه، بی تا: ۶۷۹). به هر حال باید در نظر داشت که با توجه به بیان تساوی در آیه ۴۵ سوره مائده و بیان تفاوت در آیه ۱۷۸ سوره بقره (با پذیرفتن تفسیر بعید و ناصواب) حال سؤال این است که باید به کدام یک از این آیات تمسک جست و کدام قابلیت اجرایی دارد. در مقام حلّ این تعارض عده ای به این عقیده اند که آیه ۴۵ سوره مائده با آیه ۱۷۸ سوره بقره نسخ گردیده است و در این مقام به روایت امام علی (ع) (حرّ عاملی، بی تا: ۸۶/۲۹) استناد می جویند که ایشان فرموده اند: سوره مائده حکم قصاص را در تورات بیان می کند که مرد و زن و بنده و آزاد در قصاص مساوی بودند، ولی خداوند حکم مقررّ در تورات را با آیه ۱۷۸ سوره بقره که آزاد در مقابل آزاد و برده در مقابل برده و زن در مقابل زن قرار داده، نسخ نموده است (نجفی، ۱۳۶۲: ۸۴/۴۲-۸۵). در مقام پاسخگویی به این نظریه اولاً، باید بیان داشت که چنین مقررّ ای بیشتر در مقام جلوگیری از زیاده روی و افراط در قصاص بوده است و این آیه تفسیری را که دلالت بر تفاوت جنسیتی نماید برنمی

تابد؛ ثانیاً، به گفته مفسرین، مائده آخرین سوره مفصلی بوده که بر پیامبر نازل شده و ناسخ هست، ولی به دلالت عقلی مؤخر نمی تواند منسوخ به وسیله مقدم باشد (طباطبائی، ۱۳۷۶: ۱۶۷/۲) و بنابر این استدلال است که برخی آیه ۴۵ مائده را ناسخ آیه ۱۷۸ سوره بقره دانسته و معتقد به تساوی در قصاص اند؛ برخلاف نظر قائلان به مفهوم مخالف این آیه، باید این نکته را م نظر قرار دهیم که اگر مرد در مقابل زن قصاص نشود باید زن هم در مقابل مرد قصاص نشود که مشهور به چنین چیزی اعتقاد ندارد. همچنین این که خداوند متعال می فرماید زن در مقابل کشتن زن به قتل می رسد، مانع از آن نیست که مرد در برابر کشتن زن به قتل برسد؛ زیرا تعلق حکمی به موردی خاص، اقتضای نفی حکم از غیر آن مورد خاص را ندارد؛ مضافاً این که آیه فوق بر این مطلب اشاره دارد که قصاص تنها باید بر قاتل اجرا گردد و نه دیگری، به طور مثال، اگر انسان آزادی انسان عبدی را کشت خود او باید قصاص شود نه برده وی؛ با این توجیه که گفته شود قاتل از مقتول برتر است و باید برده قاتل که در رتبه اجتماعی مقتول است به جایش قصاص شود.

نکته دیگری که باید متذکر شد این است که اکثر روایات در باب پرداخت تفاضل دیه در باب قصاص، از امام باقر و امام صادق (ع) بیان شده است اما باید بیان داشت که اکثر این روایات شاید از باب اقتضای زمان بوده و از طرفی بعید نیست که از باب تقیّه بوده باشد؛ چرا که بیان روایتی مخالف نص صریح قرآن از زبان معصوم (ع) بعید می نماید. البته دیدگاه غیر مشهور، دلیل اجماع را نیز رد می کند. بر این اساس، در مسائل اجتهادی که ادله آن بیان شده و نیز مختلف است جایی برای استدلال به اجماع نیست و اجماع در جایی دلیل شمرده می شود که مدرکی از قرآن و سنت در دست نباشد.

۶- واکنش خشونت آمیز به برابری جنسیتی

در چندین کشور، مقامات متوجه شدند که بلافاصله پس از تصویب و اجرای پر سر و صدای قوانینی که هدف آنها حفاظت بهتر از حقوق دگرباشان جنسی بوده

است، میزان خشونت‌های دگرباش ستیزانه به ویژه قتل‌های نابهنگام شدیداً افزایش یافته است. این امر پدیده‌ای تاریخی است که در گذشته نیز بارها رخ داده است. تلاش‌هایی که در گذشته برای از بین بردن تبعیض و نابرابری نژادی صورت گرفته، ظاهراً باعث بروز واکنش‌های منفی شدیدی علیه اقلیت‌های نژادی گردیده است. این مسئولیت حکومت‌هاست که نه تنها با تبعیض مقابله کنند، بلکه برای اقشار مختلف جامعه روشن سازند که چرا باید با این اقدامات مقابله کرد و اطمینان حاصل کنند که اقداماتی مناسب برای جلوگیری و نیز پاسخگویی فوری و مؤثر در مقابل خشونت انجام خواهد گرفت (Roughgarden, Joan, 2004: 520, Driscoll, Emily V. 2008: 150).

۱-۶- برابری و رهایی از تبعیض

برابری و رهایی از تبعیض، از زمره اصول پایه‌ای قوانین بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌روند. همه انسان‌ها، بدون هیچگونه تمایزی، حق برخورداری از تمامی موارد قید شده در قوانین حقوق بشر را دارند. از جمله، هر فردی دارای حق برابری در مقابل قانون و حق رهایی از تبعیض به خاطر عوامل مختلف، از جمله گرایش و هویت جنسی است.

۲-۶- قوانین و سیاست‌های تبعیض آمیز

قوانین و سیاست‌های دولتی یعنی قوانین و سیاست‌هایی که باید محافظ هر انسانی در برابر تبعیض باشند منبع تبعیضی مستقیم و غیرمستقیم، برای میلیون‌ها نفر از مردان و زنان همجنس‌گرا، افراد دوجنس‌گرا، دوجنسی و تراجنسی (دگرباشان جنسی) در سراسر جهان شده‌اند. در بیش از یک سوم از کشورهای جهان، روابط خصوصی مبتنی بر رضایت طرفین همجنس، جرم محسوب می‌شود. این قوانین، حق داشتن حریم خصوصی و حق رهایی از تبعیض را - که توسط قوانین بین‌المللی تضمین شده‌اند - نقض کرده و افراد را در معرض خطر دستگیری، محاکمه و زندان قرار

می‌دهند. همچنین حداقل در قوانین پنج کشور جهان، مجازات اعدام جان دگرباشان جنسی را تهدید می‌کند (Thompson, 2014: 125).

نمونه‌های دیگری از اقدامات تبعیض‌آمیز علیه دگرباشان جنسی عبارت است از ممنوعیت استخدام آنها در بعضی مشاغل خاص، محدودیت‌های تبعیض‌آمیز در زمینه حق آزادی بیان و حق تجمع آنها در مجامع عمومی و نیز عدم به رسمیت شناختن قانونی رابطه همسری میان زوج‌های همجنس‌گرا است. بسیاری از دولت‌ها، افراد تراجنسیتی را مجبور به عقیم‌سازی می‌کنند و تنها بر اساس این عمل جنسیت آنان را به رسمیت می‌شناسند و مدارک هویتی در اختیار آنان قرار می‌دهند. افراد تراجنسیتی فاقد کارت شناسایی مجبور به زندگی در حاشیه جامعه بوده و از دسترسی به بازار کار، خدمات بهداشتی و درمانی، آموزش و پرورش و دیگر حقوق اساسی خود محروم می‌شوند.

۳-۶- تبعیض اجتماعی

افرادی که لزبین، گبی، دوجنس‌گرا و ترنسجندر یا دوجنسی (خنثی) هستند یا بقیه جامعه آنان را چنین می‌پندارند دچار مشکلات فراوانی در جامعه می‌شوند. آنها را ننگ اجتماعی می‌شناسند؛ آنها در محل کار، خانه، مدرسه، مؤسسات بهداشتی و در بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی خود، از محرومیت‌های اجتماعی و تعصب دیگران رنج می‌برند. این افراد ممکن است از کار خود اخراج شوند، از قلدری بقیه در مدرسه آزار ببینند، از درمان پزشکی مناسب محروم شوند، از خانه‌های خود بیرون انداخته شوند یا توسط پدر و مادر خود طرد شوند، به زور در مراکز درمان روانی بستری شوند یا مجبور به ازدواج و حتی بارداری شوند. همچنین ممکن است به خاطر «سوء شهرت شان» در معرض حمله دیگران قرار بگیرند. افراد دوجنسی، از بدو تولد در معرض تبعیض قرار می‌گیرند. بسیاری از نوزادان و کودکان خردسال دوجنسی تحت جراحی و دیگر درمان‌هایی که با هدف حذف خصوصیت‌های دوجنسی

گونگی در آنها است قرار می‌گیرند، بدون آن که خود یا پدر و مادرشان آگاهانه بدین امر رضایت دهند (Driscoll, Emily V. 2008: 46)

نتیجه گیری

دو جنسه‌ها یا دگر باشان در فقه با عنوان افراد خنثی نام گرفته‌اند. افراد خنثی در فقه به دو دسته اشخاص خنثی مشکل و غیر مشکل تقسیم شده‌اند. بر همین مبنا، دیدگاه مشهور مبتنی بر تأثیر جنسیت بر قصاص در فرض ارتکاب قتل عمدی توسط این افراد می‌باشد؛ بدین ترتیب در مورد اشخاص خنثی (دو جنسه) یا دگرباش ضرورت دارد جنسیت غالب این افراد مشخص گردد که با عنایت به پیشرفت‌های پزشکی در این مورد، با کمک روش نوین پزشکی می‌توان جنسیت اکثر این اشخاص را مشخص نمود. با توجه به آن چه از مطالب پیشین مورد بحث قرار گرفته شد و نیز براساس مطالعات و بررسی‌هایی که در منابع فقهی و حقوقی، صورت گرفت موضوع مسئولیت کیفری و از جمله قصاص افرادی که دو جنسیتی یا خنثی می‌باشند، هیچگونه سابقه تحقیق و مطالعاتی در این زمینه وجود ندارد بجز چند مورد که فقط اشاره ای گذرا و مبهم، آن هم بر مبنای بعضی از اشارات فقهی به صورت خلاصه در موضوعاتی مانند «ارث» و مسئولیت کیفری مرتکب قتل توسط افراد دو جنسه یا دگرباش و قصاص اشخاص دارای اختلالات جنسیتی داشته است. مضاف بر آن، از آنجا که که اساسی‌ترین منبع قانون مجازات اسلامی ایران مبتنی بر متون فقهی امامیه می‌باشد، به همین دلیل هیچ ماده‌ای از این قانون در خصوص مسئولیت کیفری این دسته از افراد که دو جنسیتی می‌باشند مقرر نگردیده است. در صورتی که «باب حدود» از مهم‌ترین ابواب، چه در فقه و چه در قوانین موضوعه است و به این خاطر که جرایم حدی، سنگین‌ترین و شدیدترین مجازات‌ها را با جمع شرایط وقوع آنها دارا می‌باشند مواد زیادی از قانون مجازات اسلامی و مباحث فقهی را مختص به خود قرار داده اند بدون آن که اشاره‌ای به مسئولیت کیفری جرایم ارتكابی مانند قتل توسط این دسته از افراد نموده باشد. با توجه به مباحث

گفته شده در بالا پیشنهاد می گردد قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در این مورد تعیین تکلیف نماید تا از برخی اختلافات و تضارب احتمالی آراء که از سوی محاکم صادر می گردد، مسئولیت کیفری ایشان به روشنی معین شود. هرچند در موارد سکوت و شبهه می توان به برخی از اصول حقوقی (از قبیل اصل قانونی بودن جرایم و مجازات-ها) یا قواعد فقهی (مانند تدرأ الحدود بالشبهات)، دست یازید و حکم به تبرئه یا خروج عمل ارتکاب از عنوان حدود صادر کرد لکن اینها کفایت نمی کند.

در احکامی مانند قصاص از دیدگاه فقها در مواردی که تکلیفی قطعی برای فرد دو جنسه (خنثی) وجود دارد لکن مکلفه به جهت نامعلوم بودن جنسیت او مشتبہ می-باشد، به علت علم به اشغال ذمه خنثی، اصل احتیاط بر مبنای حکم مورد استناد واقع می شود بدین منظور که شخص دو جنسه یا خنثی باید کاری را انجام دهد که با تکلیف مردان و زنان مورد خاص سازگاری داشته باشد. این در صورتی است که در قوانین مدون ما چیزی بیش از ماده ۹۳۹ قانون مدنی که آن هم در مورد ارث دو جنسی هاست وجود ندارد ولی از آنجا که بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی مکلف می باشد تلاش نماید حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد بدین ترتیب باید به دنبال پیدا کردن حقوق افراد خنثی در قواعد فقهی بود. در این راستا پیشنهاد می شود قوانینی علیه جرایمی مانند قتل که با انگیزه نفرت صورت می گیرند تصویب شود تا از خشونت به خاطر گرایش و هویت جنسی افراد جلوگیری شود.

منابع

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا)، **المغنی**، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، ج ۸، بیروت: دارالفکر.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۲ و ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، **الفقه علی المذاهب الاربعه**، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۸، قم: چاپ افست؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، **احکام القرآن**، ج ۳، بیروت: دار الفکر.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۲)، **ارزیابی تحولات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در باب قصاص و دیه زن**، مطالعات راهبردی زنان، ۶۰، ۴۱-۷۲.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۹، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، **العناوین**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، **مغنی المحتاج**، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۹۹)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، **منهاج الصالحین**، قم: مدینه العلم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ق-۱۴۲۳ق)، **صراه النجاه فی أجوبه الاستفتاءات**، قم: مؤسسه آل البيت.
- داودی گرمارودی، هما؛ بیگدلی، حسن؛ لشکری آذر، سجاد (۱۴۰۰)، **بازشناسی آثار تغییر جنسیت در جرایم و مجازات‌ها**، حقوق پزشکی، ۵۶، ۵۱۷-۵۲۹.
- دیوسالار مهاجر، سوفیا؛ دیوسالار، بیت اله؛ ملایی کندلوس، فخراله (۱۴۰۰)، **قصاص دو جنسی‌ها در اسلام**، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، ۵۲، ۱۴۵-۱۶۵.
- السرخسی، محمد بن احمد (۱۴۰۶ق)، **کتاب المبسوط**، ج ۳۰، بیروت: دار المعرفه.
- صدر، سید محمد (۱۴۰۶ق)، **ماوراء الفقه**، ج ۸، قم: محبین.
- طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین (۱۴۱۸ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، چ ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۸ق)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۳، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- عباس زاده اهری، حسن (۱۳۷۸)، **جرم‌ها و مجازات‌ها در اسلام (قوانین جزایی و قضایی در اسلام)**، تهران: آیدین.

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ق)، **كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام**، ج ۱۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فتاحی معصوم، حسین (۱۳۸۰)، **مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی**، برگزار شده در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- فراهتی، عباسعلی؛ متین، مهدی (۱۳۹۴)، **مجازات شرکت در قتل**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۲، ۲۱۱-۲۴۴.
- گروه واژه‌گزینی (۱۳۹۶)، **فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان**، ج ۱۳، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مغربی، محمد بن محمد بن عبدالرحمن (۱۴۱۶ق)، **مواهب الجلیل لشرح مختصر خلیل**، بیروت: دار عالم الکتب.
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۳۸۱)، **احکام پزشکی**، تهران: سایه.
- مومن قمی، محمد (۱۳۷۵)، **سخنی درباره تغییر جنسیت**، مجله فقه اهل بیت، ۷، ۹۱-۱۱۴.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۲ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۳۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نووی، یحیی بن شرف (بی تا)، **المجموع: شرح المذهب**، ج ۲، بیروت: دار الفکر.
- Alexander, Jonathan; Yescavage, Karen (2004). *Bisexuality and Transgenderism: InterSEXions of The Others*. Haworth Press. ISBN 978-1-56023 287-2.
- Bagemihl, Bruce (1999). *Biological Exuberance: Animal Homosexuality and Natural Diversity*. London: Profile Books, Ltd. ISBN 1-86197-182-6.
- Crompton, Louis (2003). *Homosexuality and Civilization*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Driscoll, Emily V. (2008). "Bisexual Species: Unorthodox Sex in the Animal Kingdom". *Scientific American*.
- Harper, Douglas (2001). "Bisexuality". *Online Etymology Dictionary*. Retrieved 16 February.
- Roughgarden, Joan (2004). *Evolution's Rainbow: Diversity, Gender, and Sexuality in Nature and People*. Berkeley, CA: University of California Press. ISBN 0-520-24073-1.

-Thompson. (2014) Encyclopedia of Diversity and Social Justice . Rowman & Littlefield. P.98.

References

- Davoudi Garmarodi, Homa, Begdali, Hassan, Lashkari, Azar, Sajjad, (1400), Recognizing the Effects of Gender Change in Crimes and Punishments, Journal of Medical Law, Volume 15, Number 56.
- Divsalar Mohajer, Sofia, Divsalar, Baitullah, Melai Kendlos, Fakhrollah, (1400), Retribution of bisexuals in Islam, Azad Scientific Quarterly of Legal Research, 14th volume, number 52.
- Farahti, Abbas Ali, Matin, Mehdi, (2014), Punishment for participation in murder, Semnan University Islamic Jurisprudence and Law Studies Journal, Volume 7, Number 12.
- Ibn Manzoor, Abul Fazl Muhammad bin Makram, (1414) AH, Lasan al-Arab, volume 8, Beirut, Lebanon, Dar al-Fikr for printing and publishing and al-Tawzi'
- Abbaszadeh Ahri, Hassan, (1378), Crimes and Punishments in Islam (Criminal and Judicial Laws in Islam, 1st edition, Tehran, Aydin Publishing House.
- ahAkhtab Khwarazm, Muwafq bin Ahmad, (1401), AH, Manaqib Abi Hanifa, Beirut, Dar al-Fikr.
- Roughgarden, Joan (2004). Evolution's Rainbow: Diversity, Gender, and Sexuality in Nature and People. Berkeley, CA: University of California Press. ISBN 0-520-24073-1.
- Bagemihl, Bruce (1999). Biological Exuberance: Animal Homosexuality and Natural Diversity. London: Profile Books, Ltd. ISBN 1-86197-182-6.
- Crompton, Louis (2003). Homosexuality and Civilization. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Driscoll, Emily V. (July 2008). "Bisexual Species: Unorthodox Sex in the Animal Kingdom". Scientific American.
- Fadel Handi, Muhammad bin Hassan, (1422), AH, Kashf al-Latham on the Qur'an of Al-Ahkam, Qom, Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Haji Dehabadi, Ahmed, (1392), evaluation of developments in the Islamic Penal Code approved in 1392 regarding retribution and female dowry, strategic studies of women, volume 15, number 60.
- Harper, Douglas (2001). "Bisexuality". Online Etymology Dictionary. Retrieved 16 February.

- Hosseini Maraghi, Mir Abd al-Fattah, (1417), A.H., Al-Anawin, Volume 1, Qom, Al-Tashr al-Islami Institute affiliated with Jama'ah al-Madrasin.
- Ibn Idris Hali, (1411) AH, Kitab al-Sara'r al-Hawi for Tahrir al-Fatawi, Qom, Islamic Publishing House.
- Ibn Qudama, Abdullah, (Bi Tarikh), al-Mughani, Beirut, Dar al-Kitab al-Arab
- Jasas, Ahmed bin Ali, (1415), AH, the rules of the Qur'an, the third volume, published by Abdus Salam Muhammad Ali Shahin, Beirut, Dar al-Fikr.
- Jaziri, Abdur Rahman, (1406), AH, Fiqh Ali al-Mahabh al-Arba, Volume 5, Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Khatib Sharbini, Muhammad bin Ahmad, (1421), AH, Mughni al-Muthaghat, vol. 4, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya.110.
- Khattab, Hossein bin Muhammad, (1416), AH, Mohabeh Al-Jalil for Khalil's brief description, Beirut, Zakaria Amirat printing.
- Khoei, Abu al-Qasim, (1410), AH, Minhaj al-Salehin, Qom, Medina of Science
- Khoei, Abu al-Qasim, (1416-1423), AH, Surah al-Najah fi Ajuba al-Istftataat, with notes by Lejvad Tabrizi, Qom, Al-Al-Bayt Institute.
- Momin Qomi, Mohammad, (1375), a speech about gender change, Fiqh Ahl al-Bayt magazine, number 7.
- Montazeri, Hossein Ali, (1381), Medical rulings: according to the fatwas of the supreme jurist Ayatollah al-Ezni Montazeri, Tehran.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, (2019), Tahrir al-Wasila, Vol. 2, Kitab al-Shehadat, Al-Qol fi Tasat al-Hawq, Forou, 3rd, Tehran, Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute.
- Najafi, Sheikh Mohammad Hassan, (1413), AH, Javaher Al-Kalam, 43 volumes, 339, Tehran, Islamiya Publishing House.
- Nawi, Yahya bin Sharaf, (Bita), al-Majmoj, Sharh al-Mahdaz, volume 2, Beirut, Dar al-Fikr.
- Roughgarden, Joan (2004). Evolution's Rainbow: Diversity, Gender, and Sexuality in Nature and People. Berkeley, CA: University of California Press. ISBN 0-520-24073-1.
- Sadr, Muhammad, (1427), AH, Beyond Fiqh, Volume 8, Qom, Mohibin.

- Sarkhsi, Muhammad bin Ahmad Shams al-Aimah, (1406), Kitab al-Mabusut, volume 30, Beirut, Dar al-Marafa.
- Shahid Thani, Zain al-Din bin Ali, (1413), AH, al-Rawzah al-Bahiyyah, Fidshahr al-Lamaa al-Damshaqiyya, published by Muhammad Kalantar, Qom, Chatep Offset Qom.
- Shahid Thani, Zain al-Din Bin Ali, (Bite), Sharh al-Lamaa al-Damshaqiyya, Ashraf, Saad Mohammad Hassan Kalantar, Volume 8, Lebanon, Scientific Institute for the Press
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1418), AH, Al-Mizan, 3rd edition, 2nd volume, Qom, Al-Nashr al-Islami Institute .
- Thompson. (2014) Encyclopedia of Diversity and Social Justice . Rowman & Littlefield. P.98.
- Tusi, Mohammad bin Hassan, (2008), al-Mabusut fi fiqh al-Umamiyah, published by Mohammad Baqer Behboodi, third edition, Tehran, al-Maktabeh al-Mortazawieh al-Ahiya al-Athar al-Jaafar.
- Word selection group, (2016), dictionary of words approved by Farhangistan, Volume 13, Tehran, Persian Language and Literature Academy.
- Zubeidi, Muhammad ibn Muhammad, (1414), AH, Taj al-Arus Man Jawahar al-Qamoos, Ali Shiri Publishing House, Beirut.

